



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی انواع استعاره در سوره مبارکه ابراهیم

محمد تقی زند و کیلی^۱، محمد جواد مرادقلی^۲

۱-دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

قرآن کریم به عنوان منبع اساسی برای پژوهش‌های ادبی و دینی، به ویژه در زبان عربی، جایگاه بسیار مهمی دارد. این مقاله به بررسی عمیق‌تر جنبه‌های ادبی و بلاغی در قرآن می‌پردازد که به عنوان ابزاری برای روشن‌سازی اهداف دینی عنوان می‌شوند. استعاره یکی از جنبه‌های اعجاز بیانی در قرآن است و به عنوان یک ابزار مؤثر برای بیان معانی، از آن بهره می‌برد.

استعاره، نوعی تشبیه مجاز لغوی است که در آن یکی از دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه به) حذف می‌شود. قرآن کریم به طور فراگیر از استعاره استفاده می‌کند تا معانی را روشن کرده و همچنین جلب توجه مخاطبان را به سوی موضوعات دینی کند.

این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی ابتدا به مفهوم استعاره می‌پردازد و انواع آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه، با توجه به مضامین سوره مبارکه ابراهیم، به تحلیل مولفه‌های استعاره در این سوره پرداخته می‌شود.

در ادامه تحقیق، با تأکید بر اهمیت استعاره در قرآن کریم، تلاش می‌شود تا به تبیین نقش این شیوه بیانی در جذب توجه مخاطبان به موضوعات دینی و ارتباط بیشتر آنان با مفاهیم الهی پرداخته شود. همچنین، با توسعه تحلیل مولفه‌های استعاره در سوره ابراهیم، این تحقیق به درک عمیق‌تری از نحوه استفاده قرآن از این شیوه بیانی می‌انجامد.

این پژوهش، علاوه بر تأکید بر اهمیت استعاره در محتوای قرآن، به نقد و ارتقاء دیدگاه‌های پژوهشی موجود می‌پردازد. نتایج این تحقیق می‌توانند به توسعه تحقیقات در حوزه‌های زبان و ادبیات قرآنی، به ویژه در زمینه استعاره، کمک کنند.

واژه‌های کلیدی: استعاره، سوره ابراهیم، اعجاز بیانی، قرآن کریم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

قرآن کریم، به عنوان یک منبع الهی، از لحظه‌ای که اولین سوره‌ها از آسمان نازل شدند، همواره مورد توجه و مطالعه انسان‌ها، به ویژه دانشمندان و پژوهشگران، قرار گرفته است. این کتاب آسمانی با ابعاد مختلف و عمیق خود به عنوان راهنما و منبع الهام‌بخش برای انسانیت، همچنان موضوع تحقیقات و تأملات گسترده‌ای است.

یکی از جوانب جذاب و مهم که در حوزه مطالعات قرآنی مورد توجه است، علم بلاغت و به‌ویژه بررسی مفاهیم استعاره است. این بحث از گذشته تاکنون، ذهنیت علمی را به خود جلب کرده و جایگاه خاصی در تفکرات و تحقیقات علمی دارد. مورد توجه قرار گرفتن این مسئله نشان‌دهنده اهمیت و عظمت لغت و بیان در قرآن است.

در این راستا، بحث استعاره یکی از نقاط شیرین و پرمعنای بلاغی است که در سوره ابراهیم به خصوص بررسی شده است. استعاره به عنوان یک شیوه بیانی، در قرآن از کارکردهای متنوعی برخوردار است؛ از اسان سازی موضوع و تسهیل فهم آن تا توسعه دایره مخاطبان از خواص به عموم، و از زیباسازی تا جذابیت بخشی به کلام.

سوره ابراهیم، چهاردهمین سوره قرآن کریم با ۵۲ آیه، موضوعات گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. با در نظر گرفتن اختلاف در شمار آیات از سوی قراء، این سوره نقطه تمرکز مطالعات بسیاری در حوزه تفسیر قرآن قرار گرفته است. معتبرترین مراجع تفسیر، از جمله الوسی، ابن ندیم، سیوطی و طبرسی در ارائه تفسیرهای خود به این سوره پرداخته‌اند.

در این پژوهش، تلاش داریم با نگاهی دقیق به مفهوم استعاره و انواع آن، سپس با ارائه نظریه‌های کاربردی، آن را در آیات سوره ابراهیم مورد بررسی و تفسیر قرار دهیم. این تحلیل از طریق شناخت چگونگی استفاده از استعاره در متن قرآن، به غنایی افزوده و مفاهیم عمیق‌تر این سوره را برای مخاطبان روشن‌تر نماید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سوال

۱. چگونه استعاره‌ها در سوره ابراهیم به جذابیت متن افزوده و آن را زیباتر کرده‌اند؟

۲. چطور کلمات تشبیهی در سوره ابراهیم، به جذابیت و زیبایی متن افزوده‌اند؟

فرضیه‌ها

فرضیه ۱:

استعاره‌های موجود در سوره ابراهیم، نقش مهمی در جلب توجه خواننده دارند و باعث تحول ویژگی‌های زیبایی متن شده و آن را جذاب‌تر می‌سازند.

فرضیه ۲: استفاده از کلمات تشبیهی در سوره ابراهیم، به عنوان یک ابزار زبانی، به نحوه‌ی افزایش جذابیت و تأثیرگذاری متن کمک کرده و خواننده را به تجسم زیبا و عمیق مفاهیم دینی سوق داده است.

پیشینه پژوهش:

در زمینه تحلیل سوره مبارکه ابراهیم و مبحث استعاره در قرآن، تاکنون چند پژوهش انجام شده است. یک مقاله به نام "زیبایی‌شناسی اسلوب تاکید در سوره‌های ابراهیم و مدثر" توسط زریان فتاحی و جمیل جعفری در سال ۱۳۹۴ نوشته شده است. در این مقاله، تأکید بر عمق و گستردگی تأثیرات تاکید در این دو سوره، جلوه‌های بلاغی و بیانی، و نقش مهم و ارزشمند آن در ایضاح معنی و درک صحیح تفاهم الهی بررسی شده است.

مسعود عبداله‌هی و جمال سلمانی نیز در مقاله‌ای با عنوان "زیبایی‌شناسی استعاره در سوره مبارکه ملک"، با رویکرد تحلیلی تطبیقی به واکاوی استعاره و انواع آن در سوره مبارکه ملک پرداخته‌اند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در مقاله دیگری به نام "مؤلفه‌های زیبایی شناسی استعاره در سبک قرآن: مطالعه موردی سوره‌های یوسف، کهف، و طه" که در سال ۱۳۹۷ منتشر شده، نویسندگان با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی مؤلفه‌های زیبایی شناسی استعاره در سوره‌های یوسف، کهف، و طه پرداخته‌اند.

در پژوهش حاضر، با توجه به پژوهش‌های انجام شده، مبحث استعاره در سوره مبارکه ابراهیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

استعاره

معنای لغوی استعاره

استعاره از ریشه «ع-و-ر» گرفته شده و به معنای عاریه خواستن و عاریه گرفتن است. (جمال‌الدین ابولفضل لسان العرب جلد ۴ ص ۶۱۸) این واژه، از اصطلاحات علم بیان است. استعاره، در لغت به معنای "عاریه خواستن لغتی به جای لغت دیگر است. (شمیسا، سیروس، معانی و بیان، تهران، فردوس، جدوم، ۷۱، ص ۱۵۴)

تعریف استعاره

در تعریف استعاره گفته‌اند: کاربرد لفظ در معنای غیرحقیقی آن همراه با علاقه تشابه میان معنای حقیقی و مجازی و قرینه‌ای که مانع از اراده معنای حقیقی می‌شود. [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه ص ۲۵۸] در حقیقت، استعاره نوعی مجاز لغوی است که علاقه آن مشابهت باشد و گاه از آن به «مجاز استعاری» تعبیر می‌کنند، [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه ص ۲۵۸] در برابر مجاز مرسل، و آن مجازی است که علاقه آن غیر مشابهت باشد؛ برای مثال، کسی که انسان شجاعی را در مدرسه دیده است و می‌گوید: «رأیت اسداً فی المدرسه» لفظ «اسد» را که نام شیر است به معنای مرد شجاع به کار برده است و رابطه میان معنای حقیقی (شیر) و معنای مجازی (انسان شجاع) شباهت است. گوینده، آن مرد شجاع را در ذهن خود به شیر تشبیه، آنگاه نام شیر را به صورت استعاره بر او اطلاق کرده است، از این رو استعاره را تشبیه مختصر نیز نامیده‌اند؛ یعنی تشبیهی که یکی از دو



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رکن (مشبه یا مشبه‌به) حذف شده باشد. [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ص ۲۵۸] این تعریف از استعاره از زمان عبدالقاهر جرجانی رایج و از سوی دانشمندان پس از وی، حدود آن به‌طور روشن و مشخص بیان شده است.

بعضی دیگر استعاره را اینگونه تعریف کرده‌اند: در اصطلاح ادبیات فارسی بکار بردن واژه‌ای است به جای واژه دیگر با علاقه شباهت، با وجود قرینه. استعاره در واقع تشبیهی موجز و فشرده است؛ که تنها "مشبه به" آن باقی مانده باشد. علاوه بر آن شاعر در تشبیه، ادعای همانندی دو پدیده را دارد؛ اما در استعاره ادعای یکسانی آن دو را. این دو ویژگی، استعاره را هنری‌تر و خیال‌انگیزتر از تشبیه می‌کند. همچنین استعاره نوعی مجاز است؛ با این تفاوت که اگر علاقه (ارتباط بین معنای حقیقی و مجازی) از نوع مشابهت باشد، استعاره است و اگر علاقه، مشابهت نباشد، مجاز است. [همایی، جلال الدین، معانی بیان، تهران، نشر هما، ۷۴، ص ۲۲۰].

ارکان استعاره

هر استعاره سه رکن دارد: مستعارمنه (همان مشبه‌به در تشبیه)، مستعارله (مشبه)، مستعار (لفظی که عاریه گرفته شده) و نیز جامع (وجه شبه). [مازندرانی، محمدهادی، انوار البلاغه، ص ۲۸۵]. [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ص ۲۵۸]

(۱) مستعارمنه (مشبه به): معنای اولیه و ظاهری.

(۲) مستعارله (مشبه): معنای باطنی و مورد نظر شاعر.

(۳) جامع (وجه شبه): ارتباط میان واژه اولیه و واژه مورد نظر.

(۴) مستعار: لفظی که در آن استعاره شده است.

مثلاً در این بیت:

ای که بر مه کشی از عنبر سارا **** چوگان مضطرب حال مگردان! من سرگردان را

در این بیت، مه "مستعارمنه" است. روی یار که به ماه تشبیه شده "مستعارله" است. "جامع" زیبایی و درخشندگی است؛ که باعث تشبیه روی دلدار به ماه شده است و لفظ "مه" مستعار است. [کزازی، جلال الدین، زیبایی شناسی سخن پارسی (۱)، تهران، نشر مرکز، ۶۸، ص ۱۵۸].

تقسیمات استعاره

برای استعاره، تقسیماتی بیان شده که حاصل هر یک، وجود اقسام متنوعی برای آن است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به اعتبار مشبه یا مشبه‌به

استعاره به لحاظ این که در آن، مشبه یا مشبه‌به حذف شده باشد، دو قسم است:

استعاره مصرحه

استعاره مصرحه یا تصریحیه، آن است که مشبه حذف و مشبه به ذکر شده باشد؛ مانند آیه شریفه «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» که در آن، ایمان که مشبه است، حذف، و صراط مستقیم که مشبه به است ذکر شده است. وجه شبه (جامع) در آن دو «رساندن به مقصد» است. [الحسینی، السید جعفر السید باقر، اسالیب البیان فی القرآن، ص ۵۲۵-۵۲۷]

بنابراین اگر از کل تشبیه فقط "مشبه‌به" بماند استعاره را مصرحه یا آشکار می‌گویند؛ که خود بر چندین قسم است:

(۱) استعاره مصرحه مجرده: مشبه‌به + صفات یا اجزاء مشبه (یعنی در کلام مشبه‌به با ملائمت مشبه همراه است).

(۲) استعاره مصرحه مطلقه: مشبه‌به + صفات یا اجزاء مشبه و مشبه‌به (یعنی مشبه‌به را ذکر کنیم و با آن هم از ملائمت مشبه‌به و هم از ملائمت مشبه چیزی بیاوریم).

(۳) استعاره مصرحه مرشحه: مشبه‌به + صفات یا اجزاء همان مشبه‌به (یعنی مشبه‌به را همراه با یکی از ملائمت خود آن مشبه‌به ذکر کنیم).

از لعل تو گریبم انگشتی زنهار **** صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد (حافظ)

لعل، استعاره آشکار از لب سرخ یار است، زیرا حافظ به قرینه از آن زنهار خواسته.

(۴) استعاره اصلیه: هر گاه اسم یا گروه اسمی، استعاره واقع شوند، استعاره را اصلیه می‌گویند:

ای گل خوش نسیم من بلبل خویش را مسوز **** کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو

"گل خوش نسیم" استعاره از معشوق و بلبل استعاره از عاشق است.

(۵) استعاره تبعیه: اگر صفت و فعل استعاره شوند، استعاره را تبعیه گویند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تا بماند جانت خندان تا ابد **** همچو جان پاک احمد با احد (مولوی)

در این بیت "خندان" که صفت است، استعاره از شادابی و با طراوت بودن است. (کزازی، جلال الدین، زیبایی شناسی سخن پارسی (۱)، نهران، نشر مرکز، ۶۸، ص ۱۵۶)

استعاره بالکنایه

استعاره بالکنایه آن است که در جمله فقط مشبه ذکر شده باشد؛ ولی مشبه به بالکنایه مورد اشاره قرار گرفته باشد؛ مانند این مصرع از شعر: «وَ إِذَا الْمَنِیَّةُ اُنْشِبَتْ اَظْفَارَهَا = و هرگاه مرگ چنگال‌های خود را فرو کند». در این مصرع، شاعر مرگ را به حیوان درنده‌ای چنگال‌دار تشبیه کرده. سپس مشبه به (حیوان درنده) را حذف کرده و چنگال را که یکی از لوازم آن است، آورده تا قرینه‌ای برای آن تشبیه مضمّر در ذهن باشد. هر قرینه استعاره مکنیه، خود استعاره تخیلی نامیده می‌شود، [سیوطی عبدالرحمن معترک القرآن، جلد ۱ ص ۲۱۲] [تفتازانی، مسعود ابن عمر، المطول، ص ۳۸۲ و ۳۸۳] زیرا لازم یا قرینه مشبه به (در مثال پیشین واژه اظفار) همواره استعاره برای یک امر خیالی (چنگال مرگ) است.

از نظر دانشمندان متقدم علوم بلاغت (پیش از سکاکی)، استعاره مکنیه در حقیقت عملیات ذهنی است و در کلام گوینده فقط قرینه‌ای دال بر آن استعاره و به عبارت دقیق‌تر تشبیه ذهنی وجود دارد؛ [تفتازانی، مسعود ابن عمر، المطول، ص ۳۸۱] برای مثال در آیه شریفه «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» [بقره، آیه ۲۷] ابتدا عهد به چیزی مانند ریسمان تشبیه شده، آنگاه نام ریسمان برای عهد عاریه گرفته شده است. سپس مشبه به (ریسمان) حذف و یکی از لوازم آن که نقض (باز کردن) است، به صورت قرینه در جمله آورده شده است، تا اشاره‌ای به آن تشبیه ذهنی باشد. دلیل وجود چنین استعاره‌ای نیز اسناد نقض به عهد است که امری معنوی و غیرقابل باز کردن به شمار می‌رود. [زمخشری، محمود، ابن عمر، الکشاف، جلد ۱، ص ۱۱۹ ص ۱۲۰]

نظریه سکاکی

سکاکی، گویا با مشاهده این که در استعاره مکنیه، لفظی به صورت عاریه و استعاره آورده نشده، تحلیل دیگری از استعاره مکنیه ارائه داد که براساس آن، لفظ مشبه برای مشبه به استعاره آورده می‌شود. وی معتقد شد در این نوع استعاره، متکلم ادعا می‌کند که مشبه یکی از افراد و مصادیق مشبه به است، آنگاه با حذف مشبه به، نام مشبه را برای آن استعاره می‌آورد. [تفتازانی، مسعود ابن عمر، المطول، ص ۳۸۱] [تفتازانی، مسعود ابن عمر، المطول، ص ۳۸۶] [الحسینی، السید جعفر السید باقر، اسالیب البیان فی القرآن، ص ۵۴۹] [سکاکی، یوسف بن محمد، مفتاح العلوم، ص ۱۵۶].

بنابراین، به نظر سکاکی، در آیه پیشین گوینده ابتدا ادعا کرده که عهد و پیمان، از مصادیق ریسمان است. سپس نام عهد را برای آن ریسمان ادعایی و نه حقیقی استعاره آورده و «ینقضون» را دلیل آن ادعا و قرینه استعاره قرار داده است؛ اما این تحلیل از استعاره مکنیه مقبول دانشمندان پس از سکاکی قرار نگرفت.

- تحلیل خطیب قزوینی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خطیب قزوینی که شارح آرای سکاکی است، با ردّ نظر وی و با ریزبینی از استعاره مکنیه به «تشبیه مُضمر در نفس» تعبیر کرد که باتسامح، به آن استعاره گفته می‌شود و بدین‌گونه، به اصلاح نظر دانشمندان متقدم پرداخت. [قزوینی، محمدبن عبدالرحمان، التلخیص، ص ۳۲۴-۳۲۸] [تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول، ص ۳۸۱] [الحسینی، السیدجعفر السیدباقر، اسالیب‌البیان فی القرآن، ص ۵۴۹-۵۵۱]

نظریه عصام‌الدین

نظریه دیگری نیز از عصام‌الدین مطرح شد که استعاره مکنیه را استعاره‌ای مقلوب معرفی کرد که بر تشبیه مقلوب مبتنی است؛ یعنی همان‌گونه که در تشبیه مقلوب، جای مشبه و مشبه‌به عوض می‌شود، در این استعاره نیز مستعاره و مستعارمنه جای خود را به دیگری داده است؛ اما سستی این نظریه، سبب ردّ آن از سوی اهل بلاغت شده است. [الحسینی، السیدجعفر السیدباقر، اسالیب‌البیان فی القرآن، ص ۵۵۱-۵۵۲]

- به اعتبار الفاظ مستعار

تقسیم دیگر برای استعاره بر محور لفظ مستعار صورت گرفته است. بر اساس این تقسیم، چنانچه لفظ مستعار اسم جنس جامد باشد، استعاره اصلیه نامیده می‌شود و اگر آن لفظ، فعل یا اسم مشتق یا حرف باشد، استعاره تبعیه است؛ [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ص ۳۲۱-۳۲۲] [آق اولی، عبدالحسین، دررالادب، ص ۱۶۶-۱۶۷] [تفتازانی، سعدالدین، مختصرالمعانی، ص ۱۶۵]

برای مثال در آیه ۸۰ سوره هود: [هود/سوره ۱۱، آیه ۸۰]. [«قَالَ لَوْ أَن لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ ءَاوَىٰ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ» که لوط (علیه‌السلام) آرزو می‌کند برای او نیرویی فراوان باشد یا به تکیه‌گاهی محکم پناه برد، استعاره اصلیه وجود دارد؛ یعنی متکلم، عشیره نیرومند را به تکیه‌گاهی محکم تشبیه کرده است. سپس با حذف مشبه (عشیره نیرومند) رکن شدید را برای آن استعاره آورده است. [شریف‌الرضی، محمد بن حسین، تلخیص‌البیان، ص ۱۶۳] [الحسینی، السیدجعفر السیدباقر، اسالیب‌البیان فی القرآن، ص ۵۵۸]

در این نوع استعاره، میان دو شیء اصالتاً استعاره جاری است و استعاره میان آنها، تابع استعاره پیشین نیست؛ اما استعاره موجود در آیه ۲۹ سوره جاثیه؛ [جاثیه/سوره ۴۵، آیه ۲۹] «هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ» از نوع تبعیه است؛ یعنی متکلم دلالت روشن کتاب را به نطق تشبیه، آنگاه مشبه (دلالت روشن) را حذف، و از نطق، فعلِ یَنْطِقُ را مشتق کرده و به صورت استعاره برای بیان «دلالت روشن» به‌کار برده است. [الحسینی، السیدجعفر السیدباقر، اسالیب‌البیان فی القرآن، ص ۵۶۵] این نوع استعاره از آن رو تبعیه نام گرفت که استعاره در فعل، تابع استعاره پیشین در اسم و مصدر آن فعل است. [الحسینی، السیدجعفر السیدباقر، اسالیب‌البیان فی القرآن، ص ۵۶۵] [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ص ۳۲۵]



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- تفاوت میان استعاره اصلیّه و تبعیّه

عبدالقاهر جرجانی که برای نخستین بار به تفاوت میان استعاره اصلیّه و تبعیّه توجه کرد و به وجود این نوع استعاره در کلام عرب و در قرآن کریم قائل شد، معتقد است: استعاره در فعل و اسم‌های مشتق، تابع و فرع استعاره در اسم آنهاست. [جرجانی، عبدالقاهر، اسرارالبلاغه، ص ۴۲]

اهل بلاغت پس از عبدالقاهر با استقبال از نظر وی، استعاره‌های موجود در فعل، اسم فعل، انواع اسم مشتق، اسم‌های مبهم مانند اسم اشاره و حتی استعاره‌های موجود در حروف را از نوع استعاره تبعیّه دانسته‌اند. [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ج ۳۲۲-۳۲۴] [الحسینی، السیدجعفر السیدباقر، اسالیبالبیان فی القرآن، ص ۵۶۴] [تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول، ص ۳۷۱-۳۷۴]

برای هر یک از این موارد، نمونه‌های متعددی در کتاب‌های بلاغت ذکر شده است. نمونه‌ای از استعاره در حروف در آیه ۸ سوره قصص [قصص/سوره ۲۸، آیه ۸] دیده می‌شود: «فَالْتَقَطَهُ آءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَنًا» آل فرعون موسی را یافتند تا دشمن و مایه اندوه آنان باشد. لام در آیه شریفه (لیکون) لام عاقبت است. [ابن عاشور، محمدطاهر، التحرير والتنوير، ج ۲۰، ص ۷۶] [زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، ج ۳، ص ۳۹۴] در حالی که معنای اصلی و حقیقی لام در این گونه موارد تعلیل است و نه عاقبت؛ اما چون در آیه شریفه، علت بودن لام، معنای درستی از آیه به دست نمی‌دهد، عالمان بلاغت برآن اند که متکلم، عاقبت را با جامع ترتب در هر دو به علت غائیّه تشبیه، آنگاه مشبّه (عاقبت) را حذف کرده و به جای آن که علت غائیّه را برای عاقبت استعاره آورد، لام را که بر همان معنای علت غایی دلالت دارد، برای عاقبت استعاره آورده است. [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ص ۳۲۳-۳۲۴] [تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول، ص ۳۷۵] بلاغیان نمونه‌های دیگری از استعاره در حروف را در آیات «وَلَا أُصَلِّبَنَّكُمْ فِي...» [طه/سوره ۲۰، آیه ۷۱] و «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ» [بقره/سوره ۲، آیه ۵] نشان داده‌اند. [ابن عاشور، محمدطاهر، التحرير والتنوير، ج ۱۶، ص ۲۶۵] این نوع استعاره به حروف جرّ منحصر نمی‌شود و برخی آن را در حروف عطف و برخی از حروف مشبّهة بالفعل نیز نشان داده‌اند. [خضری، محمد امین، من اسرار حروف العطف، ص ۱۸۶-۱۸۸]

استعاره تمثیلی

از دیگر اقسام استعاره، استعاره تمثیلی است که برخلاف موارد گذشته در ترکیب‌ها و جمله‌ها جاری است. [تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول، ص ۳۷۹-۳۸۰] هرگاه ترکیبی در معنای مشابه معنای خود به کار رود، به آن، استعاره تمثیلی گفته می‌شود. این نوع استعاره که بر نوعی تشبیه تمثیل مبتنی است، مستعارمنه، مستعارله و جامع آن از امور متعدّد انتزاع می‌شود، از این رو همواره مستعار در آن از چند کلمه ترکیب شده است. [الحسینی، السیدجعفر السیدباقر، اسالیبالبیان فی القرآن، ص ۶۳۵] [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ص ۳۴۶] نمونه‌ای از این نوع استعاره که گاه نیز تمثیل خوانده می‌شود، در آیه ۴۲ سوره قلم [قلم/سوره ۶۸، آیه ۴۲] دیده می‌شود: «يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ رَّوْزِي كَه (لباس) از ساق پا برگرفته شود». این جمله



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برای بیان شدت و دشواری امری استعاره آورده می‌شود. گویا خداوند حال کسی را که با دشواری محاسبه روز قیامت مواجه است و باید خود را برای تحمل طاق‌فرسای آن آماده کند، به حال کسی تشبیه کرده است که برای انجام دادن کاری شاق که به تلاش و جدیت فراوان نیاز دارد، ابتدا دامن لباس خود را بالا می‌زند تا از عهده انجام آن کار برآید. سپس «يُكشَفُ عَنْ ساقٍ» را برای آن شخص استعاره آورده است. [ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، ص ۸۹] [الوسی، شهاب‌الدین، روح‌المعانی، مج ۱۶، ج ۲۹، ص ۵۹] یا برای مثال، در آیات ۸۸-۸۹ صافات/سوره ۳۷، آیه ۸۸-۸۹ آمده است: «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» (ابراهیم) به ستارگان نظری افکند و گفت: من تعبیر «نَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ» برای کسی که کاری خطیر پیش رو دارد و برای انجام دادن آن چاره‌اندیشی می‌کند استعاره آورده شده است؛ گویا خداوند چنین شخصی را که در اندیشه چاره‌جویی است به کسی که برای آگاهی بر امور آینده به ستارگان می‌نگرد تشبیه کرده است. سپس با حذف مشبّه، این تعبیر را برای وی استعاره آورده است. [قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۶۲] [الوسی، شهاب‌الدین، روح‌المعانی، مج ۸، ج ۱۳، ص ۱۵۰-۱۵۱] هرگاه استعاره تمثیلی شیوع یابد و بر زبان‌ها جاری شود، مثل خوانده می‌شود که در این صورت، همیشه در موارد مشابه آن ترکیبی ثابت به صورت استعاره به کار می‌رود. [تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول، ص ۳۸۰] [هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ص ۳۴۶] نمونه‌های دیگری از استعاره تمثیلی در قرآن کریم را می‌توان در آیات ۴ مسد، ۱۶ قلم و ۲۹ دخان، [مسد/سوره ۱۱۱، آیه ۱] [قلم/سوره ۶۸، آیه ۱۶] [دخان/سوره ۴۴، آیه ۲۹] مشاهده کرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بررسی استعاره‌های موجود در سوره مبارکه ابراهیم.

در آیه (لنُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) سوره ابراهیم آیه ۱

در این استعاره تصریحیه وجود دارد.

الظُّلُمَاتِ استعاره از کفر و نور از ایمان میباشد.

هدایت به نور و ضلالت و گمراهی به ظلمت تشبیه شده است. زیرا کفر فرد کافر را در حیرت و سرگردانی قرار میدهد به همین علت به ظلمة تشبیه شده است و ایمان به سمت حق هدایت میکند به همین علت به نوری که راه را نشان میدهد تشبیه شده است.

(بأذن ربِّهمُ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) (سوره ابراهیم آیه ۱). در این آیه استعاره تصریحیه تبعیه وجود دارد. منظور از صراط دین حق میباشد. یعنی دین حق همچون صراط میباشد.

(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رِسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ) (ابراهیم آیه ۴): استعاره تصریحیه.

در این آیه لسان استعاره از لغة و کلام میباشد

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) (ابراهیم آیه ۵)

استعاره تصریحیه.

ظلمات استعاره از شرک و گناه

و نور استعاره از ایمان، حق و تقوا میباشد.

کفر به ظلمت و ایمان به نور تشبیه شده است.

(وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ) (ابراهیم، ۵)

استعاره تصریحیه.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تذکیر استعاره از وعظ و انداز (پند و اندرز و برحذر داشتن از فراموشی) میباشد.

ایام الله استعاره از (ایام ظهور بطشه و غلبه من عصوا امره) ایام ظهور حمله به افرادی که از دستورات خداوند سرپیچی کرده اند میباشد.

(يَتَجَرَّعُهُ و لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ و يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ) (ابراهیم، ۱۷)

استعاره تصریحیه.

الموت استعاره از شدائد و سختی هایی است که برای فرد وارد شده.

(وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا) (ابراهیم، ۲۱)

استعاره تصریحیه تبعیه.

بروز در گذشته (ماضی) استعاره از بروز در آینده به علت تحقق وقوع آن هست.

در اصل: یبرزون یوم القیامه

(انِي كَفَرْتُ بِمَا اَشْرَكْتُمُوْنَ مِنْ قَبْلُ) (ابراهیم، ۲۳)

استعاره تصریحیه تبعیه.

اطاعت را به شرک تشبیه کرده و آن را مقامی قرار داده است، زیرا آنها در اعمال بد او را اطاعت کردند، همان گونه که خدا در نیکی ها اطاعت می شود.

(اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا) (ابراهیم، ۲۴)

استعاره تصریحیه.

فعل روئیت با استفهام استعاره از علم یقینی شده است.

(اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ كُفْرًا) (ابراهیم، ۲۸)

استعاره تصریحیه.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فعل روئیۀ همراه با استفهام استعاره از یک علم یقینی هست و استعاره مکنیه تبدیل یک چیز در یک مکان به چیز دیگر، به عبارت دیگر تشبیه تبدیل الذات بالذات.

(جَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَاداً لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ) (ابراهیم، ۳۰)

استعاره تصریحیه تبعیه.

النّد استعاره از شریک.

(وَبَرِّزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ)

استعاره تصریحیه تبعیه.

بروز در گذشته استعاره از بروز در آینده به سبب وقوع تحقق ان میباشد. در اصل: یبرزون یوم القیامه.

(وَمِنْ وِرَائِهِ جَهَنَّمُ) (ابراهیم، ۱۶)

استعاره مکنیه.

الوراء استعاره از معنای غفلت و نا آگاهی میباشد، به عبارت دیگر تشبیه چیزی که پشت کسی باشد و او ان را احساس نکند.

(وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ) (ابراهیم، ۱۷)

استعاره مکنیه تخیلیه.

یاتیهِ الموت، استعاره از حاضر شدن مرگ اطراف او، یعنی مرگ را به انسانی تشبیه کرده است که اطراف شخص حضور پیدا میکند.

(ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ) (ابراهیم، ۱۸)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

استعاره مکنیه.

البعید استعاره از حد گذشتن گمراهی و به انتها رسیدن گمراهی میباشد.

(أحلّوا قومهم دارَ البوارِ)(ابراهیم، ۲۸)

استعاره مکنیه.

البوار استعاره از بدترین حالت میباشد.

حالت بد را به مکانی تشبیه کرده است.

الهوی استعاره از سقوط و پایین آمدن کسی از بالا به پایین.

(رَبَّنَا اغفرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ)(ابراهیم، ۴۱)

استعاره مکنیه.

یومِ یقومُ الحساب استعاره از به پاخواستن میباشد، به عبارت دیگر، الحساب را به شخصی تشبیه شده است که قیام میکند و به پامیخیزد.

(فَرَدّوا أیدیهمُ فی أفواههمُ)(ابراهیم، ۹)

استعاره تمثیلیه.

رد الیدی فی افواه استعاره از عدم قبول کلام و رد آن میباشد، تشبیه شده به شخصی که برای سکوت دست بردهان میگذارد.

(كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ)(ابراهیم، ۲۴)

استعاره تمثیلیه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کلمه استعاره از لاله الا الله محمد الرسول الله میباشد و الطیبه استعاره از حسن خلق و تاثیری که بر روح میگذارد مانند تاثیری که رایحه بوی خوش بر انسان میگذارد.

ثابت استعاره از قرار گرفتن چیزی در مکانی که غیر قابل تزلزل و نابودی هست میباشد.

(وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ) (ابراهیم، ۲۶)

استعاره تمثیلیه.

کلمه استعاره از شرک و خبیث استعاره از سستی باور و تفکر میباشد.

اجتثاث استعاره فنا، زوال و نابودی میباشد.

(وَ أَنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِلتَّزْوُلِ مِنْهُ الْجِبَالُ) (ابراهیم، ۴۶)

استعاره تمثیلیه. استعاره از تشدید حيله گری میباشد.

(وَ تَرَى الْمَجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ) (ابراهیم، ۴۹)

استعاره تبعیه.

نتیجه گیری

یکی از جوانب جذاب و مهم که در حوزه مطالعات قرآنی مورد توجه است، علم بلاغت و به ویژه بررسی مفاهیم استعاره است. این بحث از گذشته تاکنون، ذهنیت علمی را به خود جلب کرده و جایگاه خاصی در تفکرات و تحقیقات علمی دارد. مورد توجه قرار گرفتن این مسئله نشان دهنده اهمیت و عظمت لغت و بیان در قرآن است.

استعاره، نوعی تشبیه مجاز لغوی است که در آن یکی از دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه به) حذف می شود. قرآن کریم به طور فراگیر از استعاره استفاده می کند تا معانی را روشن کرده و همچنین جلب توجه مخاطبان را به سوی موضوعات دینی کند.

در این راستا، بحث استعاره یکی از نقاط شیرین و پرمعنای بلاغی است که در سوره ابراهیم به خصوص بررسی شده است. استعاره به عنوان یک شیوه بیانی، در قرآن از کارکردهای متنوعی برخوردار است؛ از اسان سازی موضوع و تسهیل فهم آن تا توسعه دایره مخاطبان از خواص به عموم، و از زیباسازی تا جذابیت بخشی به کلام.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در این تحقیق، با تأکید بر اهمیت استعاره در قرآن کریم، تلاش شد تا به تبیین نقش این شیوه بیانی در جذب توجه مخاطبان به موضوعات دینی و ارتباط بیشتر آنان با مفاهیم الهی پرداخته شد. همچنین، با توسعه تحلیل مولفه‌های استعاره در سوره ابراهیم، این تحقیق به درک عمیق‌تری از نحوه استفاده قرآن از این شیوه بیانی انجامید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. جمال‌الدین ابوالفضل لسان العرب جلد ۴
۳. شمس‌سیا، سیروس، معانی و بیان، تهران، فردوس، جلد دوم
۴. هاشمی، احمد، جواهر البلاغه
۵. مازندرانی، محمدهادی، انوار البلاغه
۶. همایی، جلال‌الدین، معانی بیان، تهران، نشر هما
۷. کزازی، جلال‌الدین، زیبایی شناسی سخن پارسی، تهران، نشر مرکز
۸. الحسینی، السید جعفر، السید باقر، اسالیب البیان فی القرآن
۹. سیوطی عبدالرحمن معترک القرآن جلد ۱
۱۰. تفتازانی، مسعود ابن عمر، المطول
۱۱. زمخشری، محمود، ابن عمر، الکشاف، جلد ۱
۱۲. سکاکی، یوسف بن محمد، مفتاح العلوم.
۱۳. قزوینی، محمد بن عبدالرحمن، التلخیص
۱۴. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، تلخیص البیان.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۵. جرجانی، عبدالقاهر اسرار البلاغه

۱۶. خضری، محمد امین، من اسرار حروف العطف

۱۷. آلوسی، شهاب الدین، روح المعانی، جلد ۲۹

۱۸. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. تاویل مشکل القرآن.

۱۹. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، جلد ۱۵